



شماره یازدهم، اسفند ۱۳۹۱

۲ سخن نخست

۴ راهبرد نظام

۵ تحلیل

بررسی حقوقی روابط قوای سه گانه با نگاهی به استیضاح وزیر کار ۵ برآوردی از شاخص های امنیت اجتماعی ۱۱
اپوزیسیون در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۱۷ مسائل
اقتصادی کشور ۲۳ بازگشت به مذاکره و چالش های تداوم آن ۲۹
کنفرانس امنیتی مونیخ ۲۰۱۳: ناامنی هستی شناختی برای ایران ۳۵
روندهای نظامی - امنیتی در محیط راهبردی ایران ۳۷ تحولات
محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران ۳۹ اپوزیسیون چندگانه،
بازیگران متصلب و فرسایش سوریه ۴۷ انتخابات پارلمانی رژیم
صهیونیستی ۵۱ مصر، دو سال پس از انقلاب ۵۵

۵۹ نگاه دیگران

ضرورت تعامل با ایران ۶۰ تأثیر تحریم ها بر زندگی مردم ایران:
نظر سنجی مؤسسه گالوپ ۶۲

پیش نگاه ۶۳

• مطالب درج شده در ماهنگار لزوماً بیانگر دیدگاه های پژوهشگرده نمی باشد و استفاده از مطالب آن با ذکر منبع آزاد است.

* صاحب امتیاز: پژوهشگرده مطالعات راهبردی
* مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست گذاری:

سعید نورایی

* دبیر: مهدی میرزاده کوهشاهی

* شورای سیاست گذاری (به ترتیب حروف الفبا):

میرقاسم بنی هاشمی، فرزاد پورسعید، دکتر ناصر علیدوستی،

دکتر داود غریاق زندی، دکتر محمود یزدان فام

* هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

میرقاسم بنی هاشمی، فرزاد پورسعید، دکتر رضا خلیلی، دکتر

حسن شکوه، دکتر حسن عالی پور، دکتر داود غریاق زندی،

دکتر محمدعلی قاسمی، دکتر عبدالله قنبرلو، مهدی میرزاده

کوهشاهی، دکتر مهدی میرمحمدی، دکتر طیبه واعظی، دکتر

محمود یزدان فام.

* عوامل اجرایی و فنی: مهندس علی رئیس دانا، اکبر

قلی یان، مرضیه خطیبی، احسان مرشدی

* ویراستار ادبی: لیلا مرادی

* صفحه آرا: ملیحه کربلایی

* طراح جلد: سیدعباس امجدزنجانی

* نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان آبان جنوبی، خیابان

رودسر شرقی، پلاک ۷

* صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۸۹

* تلفن: ۸۸۸۰۲۴۷۷ - ۰۲۱

* دورنگار: ۸۸۸۹۶۶۱ - ۰۲۱

* رایانامه: dideban@risstudies.org



پژوهشگرده مطالعات راهبردی
تهران



برآوردی از شاخص‌های امنیت اجتماعی

اشاره:

از آنجا که امنیت اجتماعی هر جامعه به طور مستقیم، با زندگی روزمره مردم مرتبط است، یکی از ابعاد مهم امنیت ملی به شمار می‌رود. این بعد از امنیت ملی از یک سو، از دیگر ابعاد امنیت نظیر امنیت اقتصادی و امنیت فرهنگی تأثیر می‌پذیرد و از سوی دیگر، بر برخی دیگر از ابعاد امنیت ملی مانند بعد سیاسی آن اثر می‌گذارد. بررسی شاخص‌های امنیت اجتماعی کشور نشان‌دهنده، گسترش برخی از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی است. در این نوشتار، ضمن بررسی شاخص‌های مختلف، به مقایسه آن با سال‌های گذشته و ریشه‌یابی بسیاری از معضلات اجتماعی پرداخته می‌شود.

مقدمه

و ناامنی‌های اجتماعی مانند طلاق، جرایم و اعتیاد را فراهم می‌کند - و هم، در حوزه آسیب‌های فاعل محور، مانند خشونت افراد علیه یکدیگر، برخی آمار و شواهد نشان می‌دهد که سلامت اجتماعی و در نتیجه، امنیت جامعه با تهدیدهایی روبه‌روست؛ بدین ترتیب، با توجه به وضعیت ویژه اقتصادی و نیز چالش‌هایی که در عرصه سیاسی وجود دارد، تشدید و گسترش ناامنی‌های اجتماعی، به ویژه در حوزه معیشتی ممکن است به چالش‌های سیاسی-امنیتی تبدیل شود. هدف این نوشته تبیین زمینه‌ها و علت‌های گسترش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، که به ناامنی اجتماعی منجر می‌شود، نیست؛ بلکه توصیف وضعیت برخی شاخص‌های مهم آسیب‌های اجتماعی در دو سال گذشته است.

طلاق، خانواده و جمعیت

بر پایه اطلاعات تحلیلی مرکز آمار، منحنی نسبت طلاق به ازدواج در کشور بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۶ سیر نزولی داشته، از سال ۱۳۷۶ تا حدود ۱۳۸۳ ثابت مانده و از ۱۳۸۳ تا کنون، سیر صعودی داشته است. هرچند در سال‌های اخیر، اطلاعات آماری سازمان‌هایی، مانند مرکز آمار، سازمان ملی جوانان، سازمان بهزیستی و مراکز علمی و پژوهشی غیردولتی با هم یکسان نیست، نخستین هشدارهای رشد میزان طلاق، به شهریورماه ۱۳۸۸ بر می‌گردد که رئیس سازمان ملی جوانان استان تهران از رشد ۲۱ درصدی طلاق در این استان خبر داد. پس از

سنجش و ارزیابی کمی و کیفی وضعیت شاخص‌های امنیت و سلامت اجتماعی را می‌توان نوعی حسگری اجتماعی دانست. آمار، اطلاعات و نیز یافته‌های پژوهش‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی و نیز دیدگاه‌های پژوهشگران اجتماعی خبره، مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که نقش این حسگرها را بر عهده دارند. در وضعیتی که نظام اقتصادی و اجتماعی کشور زیر فشارها و تحریم‌های فراگیر بین‌المللی و نیز پیامدها و هزینه‌های ناشی از طرح هدفمندی یارانه‌ها در وضعیت ویژه‌ای قرار گرفته، اهمیت این سنجش دوچندان است؛ البته، چنان که برخی صاحب‌نظران معتقدند، با توجه به معضلات نظام آماری، به ویژه در عرصه اقتصادی و اجتماعی، کمتر کارشناسی می‌تواند با قاطعیت و با استناد به اطلاعات و آمار اعلام شده، کسی را قانع کند که برخی از شاخص‌ها و روندهای اجتماعی کشور به مرز بحران اجتماعی رسیده است. با وجود این، هم، در حوزه آسیب‌های ساختاری، مانند بیکاری - که زمینه آسیب‌ها



بوده، امسال، به ۲۹ سال برای مردان و ۲۵ سال برای زنان رسیده است؛ بدین ترتیب، در هشت ماه نخست سال جاری در تهران، آمار ازدواج ۷/۱ درصد نسبت به سال گذشته کاهش و آمار طلاق ۶ درصد افزایش یافته است.

شیوع طلاق در شهرهای کوچک و روستاها

در بررسی پدیده شیوع طلاق، نکته درخور توجه آن است که این پدیده افزون بر کلان‌شهرها، در شهرهای کوچک و حتی روستاها نیز در حال افزایش است؛ برای نمونه، بر پایه آمار تارنمای سازمان ثبت احوال استان کهگیلویه و بویر احمد، در سال ۱۳۹۰، تعداد طلاق هزار و ۲۱ مورد؛ در سال ۱۳۸۹، ۸۳۴ و در سال ۱۳۸۸، ۶۷۶ مورد بوده است. هر چند میزان طلاق در این استان در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، حدود ۲۵ درصد رشد داشته، در همین مدت، رشد ازدواج بسیار اندک؛ بوده به طوری که شمار آن از ۸ هزار و ۵۷۵ در سال ۱۳۸۹، به ۸ هزار و ۸۱۹ در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در این میان، موضوع نگران‌کننده‌تر آن است که در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰، میزان طلاق در مناطق روستایی این استان از ۳۲۰ مورد به ۳۹۴ مورد رسیده است. از پیامدهای این نوع طلاق‌ها، کاهش رغبت جوانان به ازدواج و افزایش سن ازدواج است؛ روندی که بر میزان رشد جمعیت تأثیر مستقیمی دارد. افزایش طلاق، کاهش ازدواج، به ویژه بالا رفتن سن ازدواج و تغییر سبک زندگی باعث شده است تا بر مبنای نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، که در مرداد ۱۳۹۱ اعلام شد، میزان رشد جمعیت به کمترین حد خود در سه دهه اخیر، یعنی ۱/۲۹ درصد برسد.

آن، معاون مرکز اطلاعات و آمار زنان نیز، میانگین نسبت طلاق به ازدواج را در شش ماهه نخست سال ۱۳۹۰، ۱۳/۲۴ درصد اعلام کرد. در سال ۱۳۸۹، آمارها ۱۳۷ هزار طلاق را در برابر ۸۹۱ هزار ازدواج نشان می‌داد و بدین ترتیب، در رتبه‌بندی جهانی طلاق، ایران پس از اسپانیا، در رتبه پنجم قرار می‌گرفت. بر پایه آخرین آمارها از مراکزى مانند سازمان بهزیستی کشور از هر شش ازدواج، یکی به طلاق منجر می‌شود؛ اما آمار نگران‌کننده به کلان‌شهرها مربوط است که تقریباً، از هر چهار ازدواج، در نهایت، یکی به جدایی می‌انجامد. بر مبنای اطلاعات مرکز آمار، نسبت طلاق به ازدواج، که در ده سال گذشته ۵/۹ بوده، در سال ۱۳۹۰، به بیش از ۲۴ درصد رسیده است. در شش ماه نخست سال جاری نیز، طلاق ۶ درصد افزایش و آمار ازدواج ۵ درصد کاهش یافته است. رئیس ثبت احوال کشور نیز در مرداد ۱۳۹۰ اعلام کرد که در کل کشور، به ازای هر هفت ازدواج یک طلاق رخ می‌دهد؛ اما وی بدون ارائه آمار، رشد طلاق را در تهران، به ویژه در مناطق شمالی این شهر بسیار بیشتر دانست. در این زمینه، برخی پژوهشگران آمار طلاق عاطفی یا توافقی زوجین را در کلان‌شهرها بسیار نگران‌کننده اعلام می‌کنند؛ موضوعی که در آمار رسمی، به آن توجه نمی‌شود.

در سال ۱۳۹۱، از نظر بسیاری از کارشناسان، کاهش رشد ازدواج در کشور در نیمه نخست امسال در مقایسه با سال پیش، به سبب وضعیت خاص اقتصادی رخ داده است. افزون بر این کارشناسان، آمار مراکز ثبت و وزارت ورزش و جوانان نیز این امر را تأیید می‌کند. در سه ماهه نخست سال جاری، نسبت به سه ماهه نخست سال پیش، تعداد ازدواج‌ها ۱۸ هزار مورد کاهش یافته است. در سه ماهه دوم نیز، حدود ۱۹۰ هزار ازدواج ثبت شده که در مجموع (همراه با سه ماهه نخست)، کاهش ۳۵ هزار ازدواج را نسبت به سال پیش نشان می‌دهد. افزایش تعداد طلاق واقعیت دیگر شش ماهه نخست سال جاری است. در آذر ماه ۱۳۹۱، رئیس سازمان ثبت احوال کشور از افزایش ۶ درصدی طلاق در نیمه نخست سال خبر داد که این میزان ۷۰ هزار طلاق بیشتر را نسبت به زمان مشابه سال پیش نشان می‌دهد؛ افزایش و کاهشی که فراتر از نمودارهای آماری، بیانگر افزایش آمار زنان سرپرست خانوار، کودکان بی سرپرست و فراتر از همه، رشد اختلالات روحی و روانی میان بخشی از جمعیت است.

بر پایه گزارش اداره ثبت احوال استان تهران نیز، سن ازدواج، که در سال گذشته، ۲۰ تا ۲۴ سال برای زنان و ۲۵ تا ۲۷ سال برای مردان



وضعیت سلامت روانی جامعه

یکی از شاخص‌های مهم سلامت اجتماعی، تعادل روحی و روانی شهروندان و مصونیت آنها از ناهنجاری‌هایی مانند تشویش و اضطراب روحی، تمایل به انزوا، افسردگی و خشونت کلامی یا اختلال شخصیتی در سطح عمومی است. نگاهی به برخی گزارش‌های رسمی یا بررسی‌های پژوهشی در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که سلامت روانی افراد، به ویژه در شهرهای بزرگ با تهدیدی جدی روبه‌روست که تداوم آن در چند سال آینده، تأثیر مستقیمی بر تعاملات، نقش و کارکردهای اجتماعی مردم خواهد داشت. مدیر کل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت با استناد به آمار ده سال گذشته اعلام کرده که میزان بیماری‌های روانی در بزرگ‌سالان ۲۱ درصد است؛ همچنین، بنا به گزارش وی: «در حالی که آمار اختلالات روانی در جامعه ما در سطح بالایی قرار دارد، بررسی‌ها نشان می‌دهد دست کم ۲۰ درصد کودکان کشور نیز با اختلالات روانی روبه‌رو هستند.» بر پایه گزارش دبیر انجمن علمی روان‌پزشکان ایران در آبان امسال، افسردگی، اضطراب و مصرف مواد مخدر از مهم‌ترین بیماری‌های روانی شایعی به شمار می‌آیند که یک چهارم جمعیت ایران را مبتلا کرده‌اند. این در حالی است که تنها ۱۰ درصد از این تعداد به پزشک مراجعه می‌کنند؛ همچنین، در همایش پیشگیری از کودک آزاری اعلام شد که در حال حاضر، ۴/۹ درصد افراد به بیماری‌های روانی دچارند؛ در حالی که این رقم در سال ۱۳۷۹، ۲/۱ درصد بوده است؛ همچنین، بر پایه گزارش مدیر گروه سلامت روان دانشگاه علوم پزشکی تهران، بیماری‌های روانی نخستین عامل تهدیدکننده سلامت ایرانی‌ها به شمار می‌آیند.

در خرداد ۱۳۹۱ نیز، مدیر کل امور آسیب‌دیدگان سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد که بیش از ۷۰ درصد از زنان خیابانی، به اختلال روانی دچارند و به درمان‌های روانی نیاز دارند؛ زنگ خطر که نشان‌دهنده آمادگی این طیف از جامعه برای ارتکاب انواع بزه‌کاری‌های اجتماعی است؛ برای نمونه، رئیس اداره ایدز وزارت بهداشت از افزایش ۲۰ درصدی مبتلایان به ایدز از راه روابط جنسی خبر داد و گفت طبق پیش‌بینی‌ها، ۷۰ هزار مبتلا به ایدز هنوز در کشور ناشناخته‌اند و این امر تهدیدی بسیار جدی برای امنیت روانی و جسمی افراد و جامعه به شمار می‌آید. اعلام ابتلای بخش مهمی از جامعه ایران به بیماری یا اختلالات روانی به این معناست که این بخش از جمعیت مستعد ارتکاب جرایم اجتماعی و اقدام به ناهنجاری‌های رفتاری‌اند.

اعتیاد و مواد مخدر

هرچند شیوع اعتیاد به مصرف انواع مواد مخدر در هر جامعه، معلول آسیب‌های ساختاری مانند بیکاری، طلاق و نابرابری است، همه‌گیر شدن آن بروز انواع ناامنی‌های اجتماعی و جرایم را در پی دارد. قرار گرفتن کشورمان در بزرگ‌ترین مسیر ترانزیت قاچاق انواع مواد مخدر صنعتی و غیرصنعتی باعث شده است که جامعه ایران همواره، در معرض این تهدید اجتماعی باشد. طبق برخی آمار رسمی و غیررسمی در همایش پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی که در مرداد ۱۳۹۰ در ساری برگزار شد، نزدیک به دو تا سه میلیون نفر در کشور مواد مخدر مصرف می‌کنند. فرمانده نیروی انتظامی در دی ماه سال ۱۳۹۱ اعلام کرد که نزدیک به ۴۵ درصد زندانیان کشور با جرم‌های مرتبط مواد مخدر بازداشت شده‌اند؛ اما نکته درخور توجه آن است که ۷۰ درصد از مجموع زندانیان سارق کشور نیز معتادند. این امر نشان می‌دهد گروه درخور توجهی از این افراد برای تأمین مواد مورد نیاز خود دست به سرقت می‌زنند. رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر، از کشف ۳۳۰ تن ماده مخدر، در نه ماهه نخست ۱۳۹۰، یعنی ۱۱۹۵ کیلوگرم در روز خبر داد. بر پایه این گزارش، ایران به آشپزخانه بزرگ مواد مخدر صنعتی در جهان تبدیل شده است و افزایش ۱۴۰ درصدی کشف مواد مخدر صنعتی، افزایش تولید در کشور را نشان می‌دهد. در این زمینه، بر پایه گزارش نیروی انتظامی، کشفیات مواد مخدر در نه ماهه نخست سال جاری با ۱۰ درصد افزایش به ۳۶۵ تن رسیده است. همچنین، نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کودکان و زنان بیش از گذشته، در معرض آلودگی به اعتیاد قرار دارند. بر پایه اطلاعات



همایش ساری، در حال حاضر، سن اعتیاد در کشور به سیزده سال رسیده و سن بیشتر معتادان کشور زیر نوزده سال است؛ همچنین، گزارش معاون خدمات اجتماعی شهرداری تهران از وضعیت زنان بی‌خانمان، نشان‌دهنده رشد اعتیاد بین زنان است. بنا بر آمار وی، از ۷۲۲ نفر زن بی‌خانمانی که شهرداری تهران در ماه‌های نخست امسال جمع‌آوری کرده، ۸۰ درصد به مواد مخدر معتادند که از میان آنها، ۵۰ درصد معتاد پرخطر به شمار می‌آیند. این میزان در مقایسه با سال گذشته، که ۳۸۵ نفر زن بی‌خانمان جمع‌آوری شدند، دو برابر شده است.

آمار و گزارش‌های مزبور نشان می‌دهد که ۳ تا ۵ درصد از جمعیت کل کشور (سرپرستان خانواده، زنان یا فرزندان) به مواد افیونی گرفتارند که اگر میانگین سرانه خانواده‌ها را ۴ یا ۵ نفر در نظر بگیریم، دست‌کم، ۱۲ تا ۲۰ درصد از جمعیت کل کشور (۹ تا ۱۵ میلیون نفر) در معرض نابسامانی‌های اجتماعی و عوارض آن مانند طلاق، سرقت و خشونت قرار دارند؛ در واقع، بخش بزرگی از جمعیت کشور با آسیب‌های اجتماعی ناشی از اعتیاد روبه‌رو هستند، وزیر سابق بهداشت در همایشی در تابستان ۱۳۹۱ به روشنی اعلام کرد که ده میلیون نفر از جمعیت کشور به اعتیاد دچارند؛ همچنین، طبق اعلام معاون ستاد مبارزه با مواد مخدر، سالیانه، ۴ هزار و ۲۰۰ نفر در کشور جان خود را به سبب سوء مصرف مواد از دست می‌دهند.

جرم و رتبه تراز کیفری جامعه ایرانی

بر پایه گزارش رئیس قوه قضائیه، به طور متوسط، حجم پرونده‌های قضایی سالیانه، ۱۳ درصد و جمعیت زندان‌ها ۲۰ درصد افزایش می‌یابد این در حالی است که تعداد زندانیان سه برابر ظرفیت زندان‌هاست؛ برای نمونه، زندان مشهد ۳ هزار و ۵۰۰ نفر ظرفیت دارد؛ در حالی که ۱۲ هزار زندانی را در خود جای داده است. طبق این گزارش، تراز کیفری ایران در جهان، بیستم، بین کشورهای اسلامی نخست و در آسیا، چهارم است؛ موضوعی که گرفتاری درصد چشمگیری از جامعه را در فرایند فرساینده قضایی نشان می‌دهد.

نتیجه بدیهی افزایش پرونده‌های قضایی بیشتر شدن تعداد زندانیان است. بر پایه اطلاعاتی که مقامات قضایی در مرداد ۱۳۹۱ ارائه دادند، آمار زندانیان کشور در سال ۱۳۵۸، ۱۰ هزار نفر بوده که در سال ۱۳۹۰، به بیش از ۲۰۰ هزار نفر رسیده است؛ یعنی جمعیت کشور دو برابر و جمعیت زندانیان بیست برابر افزایش یافته است. رئیس سازمان زندان‌های کشور افزون بر محدودیت‌های قانونی و نبودن جایگزین مناسب زندان برای مجرمانی که خطرناک نیستند، فقر و محرومیت‌های اجتماعی

در خانواده‌ها را یکی از علت‌های اصلی ارتکاب جرم و افزایش آمار زندانیان می‌داند و آمارهای سازمان زندان‌ها نشان می‌دهد که دست‌کم، ۷۰ درصد جامعه آماری زندانیان مواد مخدر و سرقت جزو خانواده‌های فقیر و تهی‌دست‌اند؛ همچنین، طبق این گزارش‌ها، تعداد کل زندانیان در سال ۱۳۹۰، بیش از ۲۰۴ هزار نفر بوده که میزان آن به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت حدود ۲۷۰ نفر است که تقریباً، دو برابر متوسط جهانی، یعنی ۱۴۸ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر است.

بررسی آمارهای دیگر نشان می‌دهد که تفاوت چشمگیری بین تعداد دستگیرشدگان یا جرایم کشف شده با تعداد وقوع جرم وجود دارد و این نشان‌دهنده وجود آسیب‌های عمیق در جامعه است. آمار زیر فاصله درخور توجه تعداد زندانیان و تعداد وقوع جرم را بیان می‌کند؛ موضوعی که بی‌مکافات ماندن بخش زیادی از جرایم رخ داده در کشور را نشان می‌دهد.

تعداد وقوع جرایم مالی و اقتصادی مانند کلاهبرداری و خیانت در امانت	۱۳۹۰	۱۳۹۱	درصد تغییر
	۱۳۹۵۷۴	۱۴۸۳۴۸	۶/۱
تعداد دستگیرشدگان	۲۴۵۳۱	۲۲۳۵۰	-۰/۹

تعداد پرونده‌های قضایی در سال ۱۳۸۶، ۸ میلیون پرونده بوده که طبق گفته معاونت پیشگیری از وقوع جرم، این رقم در سال ۱۳۸۹ به ۱۶ میلیون پرونده افزایش یافته و به عبارت دیگر، در کمتر از سه سال، دو برابر شده است. افزایش دو برابری پرونده‌ها (از ۸ میلیون به ۱۶ میلیون) از دیدگاه جامعه‌شناختی، به معنی رشد تصاعدی در گیر شدن بخش درخور توجهی از جامعه در پرونده‌های قضایی و برهم ریختن امنیت روحی و روانی خانواده‌هاست.



کاهش آستانه تحمل و افزایش خشونت

قتل، نزاع‌های خانوادگی و خیابانی، زورگیری و تجاوز به عنف مهم‌ترین وجوه خشونت‌اند. برای بررسی میزان وقوع خشونت در هر کشور، شاخص جهانی میانگین قتل مبنا قرار می‌گیرد. میانگین تعداد وقوع قتل به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در سطح جهانی حدود ۶/۵ نفر گزارش شده که این شاخص برای ایران، ۳/۵ تا ۴/۵ نفر است؛ اما در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه، وضع این شاخص چندان مطلوب نیست؛ برای نمونه، در ازبکستان، نسبت قتل به ۱۰۰ هزار نفر جمعیت ۱/۲ و در ترکیه، که جمعیتی نزدیک به ایران دارد، این نسبت ۲/۹ گزارش شده است، فقط پاکستان با آمار ۶/۸ وضعیتی بدتر از ما دارد؛ البته، برخی برآوردها و یافته‌های پژوهشی مستقل نیز تعداد وقوع نسبت قتل در ایران را ۶/۵ برآورد کرده‌اند. به طور کلی، آمار موجود نشان می‌دهد که این شاخص طی سه دهه اخیر روند رو به افزایشی داشته است؛ برای نمونه، در سال ۱۳۸۰، به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، ۲/۵ قتل گزارش شده در حالی که در سال ۱۳۸۷، این شاخص به حدود ۴/۵ قتل رسیده است.

در تابستان ۱۳۹۰، سازمان پزشکی قانونی با اعلام تشکیل بیش از ۵ میلیون و ۸۰۰ هزار پرونده نزاع در ده سال اخیر اعلام کرد که در این مدت، ۱۱ هزار و ۱۱۹ تن با سلاح سرد کشته شده‌اند. هزار و ۹۳ نفر از این تعداد به سال ۱۳۸۹ مربوط است که نسبت به سال پیش از آن، ۱۲ درصد (۹۷۶ نفر) رشد داشته است. افزون بر آن، در ده سال گذشته، سال ۱۳۸۹ با ۶۳۱ هزار و ۳۸۱ پرونده نزاع در سازمان پزشکی قانونی بیشترین آمار خشونت را داشته است.

بر پایه آمار یازده ماهه سازمان پزشکی قانونی تا پایان بهمن ماه سال ۱۳۹۰، ۵۶۷ هزار و ۳۱۵ پرونده نزاع شامل ۴۰۱ هزار و ۶۳۷ پرونده مربوط به نزاع مردان و ۱۶۵ هزار و ۶۷۸ مورد مربوط به نزاع زنان به پزشکی قانونی ارجاع شده است که در استان‌های بوشهر، خوزستان، سیستان و بلوچستان، قم، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد و مرکزی روند رو به افزایشی داشته است. پزشکی قانونی اعلام کرده که روزانه سه ایرانی با سلاح سرد کشته می‌شوند که این میزان در هر سال، به هزار و ۱۱۹ نفر می‌رسد؛ همچنین، سالیانه، از هر هزار نفر ایرانی، هشت نفر به دلیل نزاع به پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند.

وضعیت نگران کننده امنیت اخلاقی

برخی گزارش‌های آماری نهادهای قضایی و انتظامی از وضعیت شاخص‌های امنیت اخلاقی در دو سال گذشته بیانگر آسیب‌هایی جدی است. تحلیلگران اجتماعی معتقدند این موضوع در میان مدت، نگرانی‌ها و تهدیدهای مهمی از منظر سیاسی-امنیتی، برای مشروعیت نهادها و سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی در پی دارد.

بر پایه گزارش پلیس راهنمایی و رانندگی تهران در خرداد ۱۳۹۱، جواب آزمایش الکل و اعتیاد ۲۶ درصد رانندگان تهرانی، که در اردیبهشت ماه آزمایش شده‌اند، مثبت بوده است. آمارهای تفکیکی نشان می‌دهد مثبت بودن جواب آزمایش رانندگان تهرانی در طول امسال روندی روبه افزایش داشته است.

نتیجه‌گیری

بررسی شاخص‌های امنیت اجتماعی در کشور نشان‌دهنده افزایش برخی شاخص‌ها نسبت به سال گذشته و میزان متوسط آن است. هر چند بسیاری از این آمارها را برخی نهادها قبول ندارند و برخی افزایش‌ها نیز ناشی از حوادث مقطعی است که شاید در آینده نیز، نوسان داشته باشد یا کاهش یابد، برخی شاخص‌ها نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب کشور در بعضی زمینه‌هاست.

امنیت اجتماعی تابعی از تحولات اقتصادی و فرهنگی و حتی سیاست‌گذاری‌های کلان کشور است؛ از این رو، امنیت اجتماعی از تغییرات اقتصادی و فرهنگی و تغییر برخی سیاست‌ها تأثیر می‌پذیرد. پایش و رصد شاخص‌های امنیت اجتماعی از سوی مراکز علمی و اجرایی افزایش میزان طلاق را در جامعه نشان می‌دهد؛ موضوعی که بر خلاف گذشته، به یکی از معضلات شهرهای کوچک و روستاها نیز تبدیل شده است. از نظر کارشناسان، ریشه بسیاری از طلاق‌ها را



باید در تغییر سبک زندگی و مشکلات اقتصادی جست‌وجو کرد. این موضوع ضرورت مدیریت بهینه تحولات اقتصادی و برنامه‌ریزی در زمینه سبک زندگی را روشن می‌کند. اهمیت برنامه‌ریزی برای کاهش میزان طلاق در کشور زمانی مشخص می‌شود که بدانیم با افزایش آن، آمار زنان سرپرست خانوار، کودکان بی سرپرست، زنان خیابانی و اختلالات روحی و روانی در میان بخشی از جمعیت بیشتر می‌شود. افزایش حجم پرونده‌های کیفری و کاهش آستانه تحمل و افزایش خشونت‌ها از دیگر مسائلی است که کشور برای کاهش آن به برنامه‌ریزی نیاز دارد؛ همچنین، افزایش نگران‌کننده اعتیاد و جرایم مرتبط با آن، این معضل را به یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیت اجتماعی تبدیل کرده است. رشد اعتیاد به مواد مخدر صنعتی و جرایم ناشی از آن و نیز شمار زیاد زندانیان مرتبط با مواد مخدر ضرورت مدیریت بهینه مرزها و مبارزه جدی با آشپزخانه‌های تولید مواد مخدر صنعتی را آشکار می‌کند.

نکته مهم این است که برای کاهش آسیب‌ها و معضلات اجتماعی پایش و برآورد وضعیت آن در آینده ضروری است و برای برآورد امنیت اجتماعی باید به تأثیرات ترکیبی مؤلفه‌های اقتصادی و غیراقتصادی توجه کرد از آنجا که عوامل و مسائل زیر رو به گسترش است، توجه به آنها ضرورت دارد.

۱) با توجه به اینکه بخش مهمی از شاخص‌های امنیت اجتماعی مانند توزیع درآمد، درمان و سلامت، بیکاری، طلاق و حتی جرم به طور مستقیم، از شاخص‌های اقتصادی تأثیر می‌پذیرد، برای برآورد وضعیت امنیت اجتماعی در آینده، لازم است به نتایج موضوعاتی مانند وضعیت شاخص‌های اقتصادی توجه کرد. با توجه به احتمال کاهش رشد ناخالص ملی و نیز افزایش سه برابری میزان ارزهای خارجی در بازار مالی، که شاخص برابری قدرت خرید پول ملی را به شدت کاهش داده است، پیش‌بینی می‌شود وضعیت شاخص‌های امنیت اجتماعی در سال ۱۳۹۲ روند نگران‌کننده‌ای داشته باشد.

وقوع تدریجی بحران در شرکت‌های دولتی و نوع واکنش طبقات محروم جامعه، به ویژه بخش کارگری نسبت به فشارهای معیشتی در شش ماه اخیر نشانه‌هایی از احتمال تبدیل برخی اعتراضات کارگری به خشونت‌ها یا شورش‌های شهری است. تجمع کارگران ده‌ها شرکت ورشکسته یا شرکت‌های تولیدی، که با بحران روبه‌رو شده‌اند، در برابر استانداری‌ها، مجلس و نهاد ریاست جمهوری یا اعتصابات داخلی شرکت‌ها در چند ماه اخیر بروز چالش‌های

اقتصادی را در شهرستان‌ها نشان می‌دهد. تجمع و اعتراضات کارگران شرکت‌های بزرگی مانند پتروشیمی‌های آبادان، تبریز و بندر امام (ره)؛ نساجی‌های مازندران، خامنه و رشت و کارکنان شرکت‌های بزرگی مانند بازنشستگان ذوب آهن اصفهان، صنایع فلزی ایران، لوله‌سازی خوزستان، کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و شوشتر و حتی تجمعات اعتراضی کارگران شرکت‌های پیمانکاری سپاه در جهاد نصر و دیگر شرکت‌ها بیانگر کاهش تحمل طبقات محروم جامعه در برابر فشارهای اقتصادی و معیشتی است.

۲) تغییر گسترده سبک زندگی در شهرها و حتی روستاها و تأثیرات منفی استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی، که رواج‌دهنده فرهنگ غیرمذهبی‌اند و نیز رشد استفاده از شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای مانند «فارسی‌وان» و «من و تو»، هنجارهای اخلاقی و ارزش‌های دینی و مذهبی را تضعیف می‌کند و بدین ترتیب، عوامل مهم بروز ناهنجارهای اجتماعی مانند طلاق و جرایم فراهم می‌شود. ۳) در نتیجه روند رو به رشد مشکلات روان‌شناختی در روابط فردی و اجتماعی و افزایش فشارهای معیشتی، مکانیزم‌های خودکنترلی و تحمل در افراد و خانواده‌ها کاهش می‌یابد.

۴) تداوم رشد جمعیت شهرها و مهاجرت به شهرهای بزرگ در سال آینده، برخی شاخص‌های ناامنی اجتماعی مانند نرخ جرایم و زندانیان را افزایش می‌دهد.

۵) گسترش مواد مخدر صنعتی، که به بروز جرایمی چون قتل، سرقت و زورگیری منجر می‌شود، جرایم را افزایش و امنیت اجتماعی را کاهش می‌دهد.

